

## وظیفه شناسی

### انسان در محاصره وظائف

#### نقش ایمان در اداء تکلیف

#### لقمان بفرزندش وظیفه می آموزد

زندگی بشر با هموعان خودیکی از نیازمندیهای فطری او است و میل طبیعی بزندگی اجتماعی عامل مستقلى است که او را بسوی تشکیل جامعه سوق میدهد ، جامعه بشریت نیز بر محور افراد و طبقات گوناگون میچرخد و در صحنه اجتماع هر يك از افراد عهده دار مسئولیت و وظائف خاصی است که باید سهم خود را درست ایفا کند ، وقتی نظام اجتماع بطور صحیح اداره میشود که هر کس بمسئولیت هائی که در محیط کارش پذیرفته است ایمان داشته ، و فعالیتش از مرزهای آن وظائف تجاوز نکند .

حیوان در زندگی خود حدود و قیودی ندارد ولی انسان برخلاف حیوانات مقررات و قیود گوناگونی پیرامونش را احاطه کرده بطوریکه میتوان گفت سراسر شئون و زندگی او را دربر گرفته است ، و همین حدود و مقررات صحنه زندگی انسان را از حیوان مشخص و جدا میکند .

در هر حرکت و سکونی برای انسان تکلیف خاصی بوجود می آید و آنهم نظامی است که طبق آن زندگی انسانی اداره میشود ، خلاصه وظیفه از ابتدائی ترین مراحل زندگی آغاز و تا آخرین مرحله حیات امتداد دارد ، در هیچ لحظه ای نمیتوان بین شخص و تکالیف همه جانبه اش خط فاصلی رسم کرد و جدائی قائل شد ، هر گاه نیروئی وجود داشته باشد وظیفه نیز با آن همراه است ، و بالاخره تنها مرک است که وقتی گریبان شخص را گرفت پرورنده وظیفه او را هم بایگانی میکند .

گذشته از احکام و دستورهای مذاهب ، اصولا بر حسب فطرت نیز انسان پای بند مقررات است ، و از رابطه او با اوصاف و مشخصات و غرائز و عواطفی که در ساختمان وجودش بکار رفته تکلیف تولید میشود ، هر چند محرکات انجام وظیفه میتواند امور پراکنده ای باشد ولی

میتوان گفت بطور کلی قوانین عقل محور وظائف است ، و پیروی از دستورات مذهبی نیز بمنابعت از مقررات عقلی باز میگردد ؛ زیرا در مسائل اجتماعی و امور زندگی احکام و فرمانهای دینی ، همان تشریح مدرکات کلی عقل است .

مشکل کار، شناختن وظیفه نیست بلکه عمل بوظیفه سخت مشکل ، و بیش از آنچه تصور شود دشوار است ؛ تنها بوسیله مراقبت و ایمان محکم و استوار و تحمل فداکاری می - توان در این راه بمرحله کمال نزدیک شد .

صحنه اجتماع در عین حال که زمینه بروز و ظهور و رشد و تکامل فضائل انسانی است ؛ برای پیدایش بسیاری از ذائل نیز محیط مساعدی می باشد تحول و تکامل اجتماع وقتی دچار رکود و توقف خواهد شد که هر یک از مردم از مرزهای وظائف خود تجاوز کرده ، مسئولیتهای بزرگ خویش را بدست فراموشی سپارند .

هر گیاهی مستقلا نیاز بقوجه خاصی دارد تا در جایگاه خود بجنبش درآمده در مراحل رشد بکمال برسد ، آنچه که سبب رشد و تکامل جامعه میشود موقعیت جغرافیائی و شرائط مادی نیست ؛ بلکه شرائط خاص معنوی و تربیتی است که پایه اجتماع شایسته و مترقی را بنیان مینهد . در جامعه ای که روح وظیفه شناسی بر افکار مردم حاکم است پاکی و درستی در نیات قلبی و رفتار و بالاخره در ادراک و فکر و عمل و در همه شئون مردم آشکارا دیده میشود بدیهی است در چنین جوامعی نه خیانت و تجاوز و حوق کشی رشد می یابند و نه بآنها مهदान رشد داده میشود ، بلکه هر فردی در برابر تباهیها و ناپکاریها ایستادگی و مقاومت کرده و از رواجشان جلوگیری بعمل میآورد .

ماجز در هنگام عدم اطاعت و پیروی از وظائف گوناگون خویش تباه نمیشویم ، بسیاری از مردم با همه امکاناتی که از جهات مختلف دارند میکوشند در استفاده از وجود خود صرفه جوئی کنند ، بهمین علت از زیر بار مسئولیتهای و کارهاییکه بنظرشان بخشی از خوشیها و آسایش آنها را از دستشان میگیرد ، شانه خالی میکنند و میل ندارند قسمتی از وقت خود را اختصاص باموری دهند که ثمره آن عاید دیگران میگردد ، این گروه که افق فکر و اندیشه و دامنه فعالیتشان همیشه محدود و بر محور امور شخصی و جزئی پیوسته دور میزند با همین خصوصیات روحی عادت میکنند و لذا هیچگاه نمیتوانند عهده دار کارهای بزرگ و باارزش شوند ، و یا در امری قدرت و نیروئی از خود نشان داده و ابراز شخصیت نمایند ، بلکه برای يك عمر در صحنه اجتماع بصورت وجودی بی خاصیت و فاقد هر گونه ارزشی خودنمایی میکنند .

در برابر این گروه دسته دیگری قرار دارند که نسبت بمسئولیت‌های خود در هیچ شرایطی سهل انگاری نمیکنند ، از تغییرات و تطورات و نشیب و فرازهای زندگی دستخوش تزلزل و اضطراب نمی گردند ، همیشه آمادگی دارند باستقبال مسئولیت‌هایی بشتابند و بیدریغ مساعی خود را بکار برند که برای انسانیت سودمند واقع شود ، اینها فکر میکنند انجام هر کار مفید و سودمندی هر قدر پر زحمت باشد و صرف وقت بخواهد بهترین وسیله استفاده است . آنچه که زندگی را پرمایه میسازد کوشش در تحقق آرمانهای عالی و ثمر بخش است باید انسان تصمیم بگیرد که مقامی شایسته و در خور انسانیت داشته باشد ، و برای پرورش نفس و اداء وظیفه و خدمت بیدریغ بجامعه خود هر کوششی که در امکان دارد بجا آورد . بگفته حافظ شیرین سخن :

### چو غنچه گرچه فرو بستگی است کار جهان

#### تو همچو باد بهاری گره گشا میباش !

نیروی اراده يك موهبت آسمانی است که هیچگاه نباید آنرا بی مصرف گذاشت ، و یا بجای بکار گرفتن در راه وظیفه صرف انجام نیت و هدفهای پلید و غیر انسانی کرد ، فقدان اراده و ضعف تصمیم بزرگترین مانع وسد راه عمل بتکالیف است ، بهره برداری از نیروی اراده براهنمائی وجدان برای مبارزه باشهوات و هواهای نفسانی و پیروزی بر خودپرستی و سینات اخلاقی در ابتدای کار دشوار و نیاز بفاکاری دارد ، اما با قاطعیت و پشتکار و تلاش مداوم بتدریج روح انسان نیرومند و اخلاقی پرورش می یابد آنگاه عمل بوظیفه و تکلیف برای شخص بصورت يك امر عادی و قابل تحمل در می آید .

اگر حسن وظیفه شناسی در وجود آدمی نیرومند باشد مشکلات و موانع سبب عقب نشینی انسان نخواهد شد ، و هر گاه مساعی شخص در اثر برخورد با عوامل منفی عقیم و بی نتیجه بماند لااقل رضایت وجدان را بدست آورده و در برابر نفس خویش سرافراز است که شکست و ناکامی را بخاطر وظیفه تحمل کرده است .

بزرگی بفرزند خود چنین اندرز میدهد :

« فرزند اتو فقیر و تهی دست باش و بگذار دیگران در برابر چشم تو با فریب و خیانت متمول و ثروتمند شوند ، تو بدون جاه و مقام زندگی کن و بگذار دیگران با سماجت و شوخ-چشمی بمناسب عالی برسند ، تو با درد ورنج و ناکامی بساز و بگذار دیگران با تملق و چاپلوسی بآرزوهای خود دست یابند ، تو از معاشرت با بزرگانی که دیگران برای نزدیک شدن بانها خودکشی میکنند چشم بپوش ، تو بهتر است لباس فضیلت و تقوی را در بر کنی و قتیکه موی سرت سفید شود و يك لکه سیاه بر دامن شرافت و نیک نامیت ننشسته باشد آنوقت شکر خدای بجای

آور و با خاطری شاد ودلی خرسند تسلیم مرگ شو ا ء (۱)

همانطوریکه در مبارزه با تباهی تنبیه و توبیخ و سرزنش سودمند است تقدیر و تشویق نیز در ایجاد علاقه بیشتر بکار و فعالیت و اداء وظیفه اثر غیر قابل انکاری دارد ، وای بر قوم وملتى که در میان آنها خیانتکاران تشویق و خدمتگذاران وظیفه شناس و ارزشمند مورد سرزنش و اهانت قرار گیرند و از مقامات حساس اجتماع رانده شوند ، کسانی بمقتضود بر سندن کفر بیکاری و دغلبازی پیشه کنند افرادی بر مرکب مراد سوار شوند که ازارشهای انسانی بکلی بی بهره اند ، و بالاخره آنهائیکه بخواهند رسالت انسانی خود را بانجام برسانند بایستی تاهنگامیکه در عالم پاک خود زندگی میکنند از همه چیز محروم باشند ، دیگر هرگز برای رشد فضیلت اخلاقی در آن اجتماع زمینه و جایی باقی نمیماند .

با این روش بیرحمانه آنچنان ضربه کوبنده و هولناکی بر پیکر روانی مردم فرودمی آید که در نتیجه آن ، روح ناامیدی و علاقه و رغبت به تقلب و فساد و ریاکاری بصورت بسیار گسترده ای در اعماق جانها نفوذ میکند ، و سیئات اخلاقی و تباهیها بسرعت جای پاکبها و اخلاق شایسته را میگیرد ، و چه بسا پاکانی که زیر فشار این شرایط سخت و جانفرسا از راه پاکی و تقوی عقب گرد کنند ، زیرا تنها عده کمی از مردم میتوانند قهرمانی خود را در چنین محیط آلوده ای حفظ نموده و با پاکی و تقوی در منجلابهای اجتماعی بسر برند ، همه فوق - العاده نیستند که بتوانند با روحی بلند و ارجمند در میان مردم پست و منحط با همین روحیه ادامه حیات دهند .

هنگام پرورش فردی ، يك شخص عادى احتیاج به جامعه ای دارد که بر آن تکیه زند ، و بوجود سرمشقهائى شایسته و با صلاحیتی که او را از محیط انفرادی خویش برفقار عملی در زندگی خود آشنا سازند ؛ سخت نیازمند است . (نا تمام)

بقیه از صفحه ۴۴

دو برش عمود بر هم ، به زخم می دهیم بطوریکه این دو برش در مرکز زخم همدیگر را قطع کنند و این برشها نباید زیاد عمیق باشد . بعد پادهان مرتباً زخم را میمکیم و آب دهان را بخارج می ریزیم و اگر آب دهان که محتوی زهر است خورده شده و به معده هم برود ضرری ندارد چه این زهر در معده بی اثر می شود ولی

اگر در دهان زخم و یا خراشی باشد صلاح نیست که مکیده شود زیرا زهر ، از راه زخم وارد جریان خون می شود . مدت مکیدن باید لا اقل یک ساعت باشد .

اگر يك نفر یا شخص مصدوم خسته شد ، می توان اذاشخاص دیگر نیز کمک گرفت .

۷ - در اولین فرصت مار و عقرب گزیده را به پزشك رساند .

(۱) اخلاق ساموئیل ص ۸